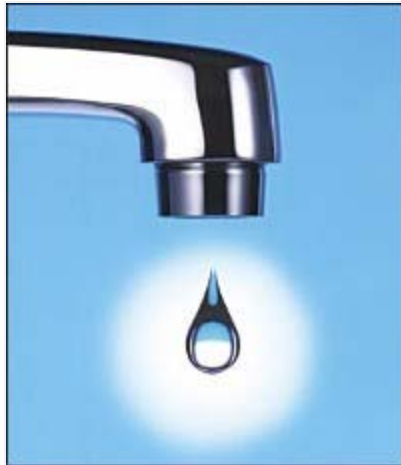




شماره صد و پنجاه و پنجم، جمعه دهم خرداد ماه ۱۳۸۷

از حوزه محیط زیست

معضل کمبود آب پیش روی موجودات کره زمین
بخش دوم



والنتینا پاسکواله- واشنگتن پریزم

پیشگفتار: در هفته گذشته به بخشی از مشکلات ناشی از مصرف آب در کشورهایی پرداخته شد، که در برخی از منابع این مایع حیاتی شریکند. مقاله پیش رو به پاره ای از دیدگاه های کارشناسی برای مقابله با معضل کمبود آب در سطح جهان می پردازد.

عکس العمل ها

حکایت رود نیل چالش هایی را به تصویر می کشد، که مردم و سیاست سازان در سراسر جهان نیز با آنها روبرو هستند. زیرا روند کنونی افزایش جمعیت، تخریب جنگل ها، کشاورزی و راه نامناسب استفاده از آبهای موجود توسط بشر، نشانگر آن هستند که کمبود آب تنها وخیمتر می شود. این مقولات همچنین نشان می دهند که احتمال منازعه بر سر منابع آب، رو به افزایش می باشد.

براساس اعداد و ارقام "اداره آمار آمریکا" جمعیت ۶ میلیاردی جهان در سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۸)، تا سال ۲۰۴۲ (۱۴۲۱) به ۹ میلیارد افزایش پیدا می کند. همچنین در حالی که از سال ۱۹۶۰ (۱۳۳۹) تا کنون یک پنجم جنگل های مناطق حاره جهان نابود شده اند، تخریب آنها همچنان ادامه دارد و سالانه به طور متوسط ۷ درصدشان از بین برده می شود.

همچنین حدود ۷۰ درصد آب قابل استفاده کره زمین، صرف پروژه های آبیاری می گردد. در عین حال میزان مصرف پروژه "مؤسسه خط مشی غذایی" برای کاشت غلات در سراسر جهان، بین سال های ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۵ (۱۳۷۴ الی ۱۴۰۴) در سطح دنیا ۱۱ درصد افزایش می یابد.

عامل دیگری که سبب کاهش منابع آبی دنیا می شود، هدر دادن آب به ویژه در کشورهای توسعه یافته می باشد. مثلاً گزارشی که در سال گذشته توسط "کمیسیون اتحادیه اروپا" انتشار یافت، برآورد می کند که می توان تنها در مصرف آب در کشورهای عضو این اتحادیه حدود ۴۰ درصد صرفه جویی کرد. بنابراین در نتیجه این گونه مصرف های بی رویه، منابع آبی هر روز با ارزش تر می شوند.

با در نظر گرفتن بازارهای مالی می توان پیش بینی کرد که آب به صورت یکی از پرطرفدارترین کالاهای تجاری جهان در خواهد آمد. کما اینکه اخیراً گزارش شده بود که موجی از شرکت های تصفیه آب دارند به عموم اعلام می کنند، که امیدوارند

قیمت آن را افزایش دهند.



"راجر بیت" اقتصاددان انگلیسی: "می توان آب را بدون اینکه تمام شود، با موفقیت تصفیه کرد. زیرا بازارهای آب بر مبنای نسبت های قابل دادوستد محاسبه می شود."

"یونن راکا" خبرنگار رویتر در این مورد می نویسد "نگرانی در مورد کمبود آب پاکیزه، افزایش نیازهای زیربنایی در کشورهای رو به توسعه، مقررات سخت و سخت بیشتر، و سیستم توزیع قدیمی آب در ایالات متحده آمریکا، سبب شده شرکت های آب به اهداف با ارزش تری برای خریداران تبدیل شوند."

"راجر بیت" اقتصاددان انگلیسی که در حالت حاضر به عنوان مدعو در "مؤسسه اینترپرایز آمریکا" (مخزن اندیشه ای در واشنگتن دی سی) حضور دارد، در گفت و گویی با واشنگتن پریم اظهار داشت: "در بسیاری از کشورهای نسبتا کم آب مانند استرالیا، شیلی، آمریکا و آفریقای جنوبی، آب در بین کشاورزان، شهرداری ها و صنایع دادوستد می گردد. به این مفهوم که یا واقعا از یکی به دیگری انتقال می یابد، و یا حقوق استفاده از آن منتقل می شود. این کار شباهت زیادی با کنترلات مربوط به بسیاری از کالاهای دیگر دارد."

دکتر بیت که از کارشناسان خط مشی آب می باشد، معتقد است که این دادوستد "از طریق اختصاص این مایع به بهترین مصارف مناسب، سبب بهترین نحوه سازماندهی می شود که به نوبه خود برای محیط زیست بهترست."

اعتقاد بنیادین بر اینست، که در جهان آب به اندازه کافی برای همه وجود دارد. اما تقریبا در تمام نقاط دنیا به هدر داده می شود. بنابراین آنچه مورد نیاز می باشد، سیستمی برای تعیین سهمیه آب برای مواد مناسب تر است. کارشناسان زیادی که تعدادشان رو به افزایش می باشد نیز، معتقدند که بازارها می توانند زمینه های چنین سیستمی را آماده کنند.

دادوستد در سهمیه آب دارد حتی علاقه سرمایه گذاران کوچک را هم به خود جلب می کند. "رونالد سویل" کارشناس جوانی که برای (کار در بخش مربوط به) تحصیلات بین المللی در واشنگتن دی سی استخدام شده است، در گفت و گویی با واشنگتن پریم خاطرنشان کرد: "تنها وقتی آب را از زاویه استفاده مورد نظر قرار می دهیم، می بینیم که از هم اکنون منبعی محدودست. حالا این حقیقت را هم به آن مشاهده بیفزاییم، که می خواهیم در زمینه سوخت و انرژی نیز بیشتر بر آن اتکاء کنیم. در اینجا است که اهمیت این مایع برای آینده واقعا آشکار می شود. فکر می کنم آب، نفت بعدی خواهد شد. یعنی همانطور که شرکت های نفتی در حال حاضر از این ماده سودی هنگفت می برند، شرکت های آب نیز از این مایع منفعت سرشاری به جیب خواهند زد." این کارشناس تصمیم گرفت خودش هم در شرکت مشهور به "سهم قدرت آب جهانی" سهم بخرد.

(a)

البته بازارها می توانند با تعیین قیمتی که با تقاضا همانگ باشد، به اختصاص خدمات مناسب تر کمک کنند. اما این پرسش مطرح است، که آنها چگونه می توانند به توزیع منصفانه منبعی مانند آب یاری رسانند؟ منبعی که به تساوی برای تمامی افراد بشر فارغ از میزان درآمدها، حیاتی می باشد.

سوال دیگری که به وجود می آید، اینست که این سرمایه گذاری چگونه می تواند به حفظ و نگهداری آب برای آیندگان کمک کند؟ زیرا گرچه نفت با قیمت های بالا و بالاتر معامله خواهد شد تا تمام شود، اما انسان می تواند بدون آن زنده بماند. متأسفانه در مورد آب نمی توان چنین حرفی زد.

بنا به اظهارات دکتر بیت در حالی که نفت به کندی بازذخیره می شود، آب منبعی قابل تجدید است. وی در این پیوند به واشنگتن پریم گفت: "می توان آب را بدون اینکه تمام شود، با موفقیت تصفیه کرد. زیرا بازارهای آب بر مبنای نسبت های قابل دادوستد محاسبه می شود."

براساس نظر بیت، "بنابراین برقراری حقوق سهمیه بندی مسئله ای اساسی می باشد." اما با این حال معتقدست که "این مشکل بازار نیست، بلکه مشکل اختصاص سهمیه بندی است که در این مورد (خود) دولت می باشد."

لذا می بینیم که حتی افرادی مانند راجر بیت هم که بیشتر به رقابت بازار به عوان منبع تخصیص اعتقاد دارند، نقشی برای دولت و سیاست قائلند. او در این مورد اظهار می کند: "این وظیفه دولت است که شبکه ای امن به وجود بیاورد، تا احراز اطمینان شود که مردم آنقدری پول دارند که بتوانند آب تهیه کنند. اگر فقرا برای آب پول بپردازند و به این کار عادت کنند، بهترست. چراکه آب به هدر داده نمی شود. اما همزمان (باید) به آنها یارانه پرداخت گردد، که از عهده چنین خریدی بریایند. زیرا مدت های مدیدی استفاده کنندگان از آب و به ویژه کشاورزان، به اندازه لازم برای آن پول پرداخت نکرده اند."

به همین سبب هم آن را به هدر داده اند."



اتیوپی نمونه خوبی برای این نیاز، و همچنین سرمایه گذاری ها و عکس العمل های سیاسی می باشد. از آنجا که این کشور هنوز در سطحی فراگیر دستیابی گسترده ای به آب دارد، بزرگترین پرسش برای آدیس آبابا اینست که چگونه آن را ذخیره، مدیریت، و در صورت لزوم جا به جا کند.

اقتصاددانانی که با "وزارت آب" دولت اتیوپی همکاری می کنند، به واشنگتن پریم می گویند: "از آنجا که این مسئله مستلزم سرمایه گذاری زیادی است که آماده هم نیست، به دل نگرانی اصلی تبدیل شده است. بنابراین اگر در میان تا دراز مدت سرمایه گذاری ها همچنان ادامه بیابد، توانایی بهبود یافته مدیریت منابع آب احتمالا از میزان کاهش مقدار آن (به سبب شرایط آب و هوا و عوامل محلی)، بیشتر خواهد بود. اما این یک اگر بزرگ است."

با در نظر گرفتن بازارهای مالی می توان پیش بینی کرد که آب به صورت یکی از پرطرفدارترین کالاهای تجاری جهان در خواهد آمد. کماینکه اخیرا گزارش شده بود که موجی از شرکت های تصفیه آب دارند به عموم اعلام می کنند، که امیدوارند قیمت آن را افزایش دهند

آب کالایی عمومی و یکی از اساسی ترین منابع حیات می باشد، و طبیعتا موجب بروز مسائل فراملی می شود. بنابراین ممکنست یک کوشش سیاسی هماهنگ جهانی در مدیریت و حفظ آن، بهترین راهبرد برای مقابله با کمبود این مایع و درگیری هایی باشد که می توانند بالقوه ایجاد شوند.

یکی از اقتصاددانان همچنین اظهار می دارد: "فکر می کنم در سطح کشور نمی توان کار چندان کرد. به همین سبب راه حل اصلی باید بین المللی باشد."

والنتینا پاسکواله از نویسندگان واشنگتن پریم است

بخش نخست

از حوزه محیط زیست
توافق های آمریکا و کانادا در مورد دریاچه های بزرگ مرزی



سوریه کبیری- واشنگتن پریم

روز ۲۳ ماه مه (۳ خرداد) دو مؤسسه کانادایی "مرکز وودرا ویلسون برای پژوهشگران" و "مسائل آمریکای شمالی" میزبان نشستی شدند، که به مناسبت بحث و بررسی در مورد منافع مشترک محیط زیستی و تجاری آمریکا و کانادا از محل دریاچه های مرزی برگزار گردید.

در این برنامه که برخی از خبرنگاران رسانه ها نیز به آن دعوت داشتند، آقای "جیم دوئل" فرماندار "ایالت ویسکانسین" آمریکا به عنوان رئیس "شورای فرمانداران دریاچه های بزرگ" (۱) سخنرانی کرد. وی در این سخنرانی که زیر عنوان "دریاچه های بزرگ و محیط زیست: چالش های عمومی و آینده مشترک" ایراد شد، به چالش های اقتصادی و محیط زیستی آن دسته از استان های کانادایی و ایالت های آمریکایی پرداخت که در سواحل این دریاچه ها قرار دارند.

آقای دوئل در ابتدا از نمایندگان رسانه ها، بازرگانان عمده انتاریو، کوشندگان محیط زیست و سایر حضار برای شرکت در این جلسه تشکر کرد. سپس آقای "جک فیشر" وزیر بازرگانی ایالت ویسکانسین را به عنوان همراه خود به حاضرین معرفی نمود.

آنگاه به طور مختصر دستاوردهای سفر خود به شهرهای وینی پگ، مونترال، و کبک را به اطلاع حاضرین رساند. یعنی شهرهای دیگر کانادا که مانند تورنتو در سواحل دریاچه های نامبرده قرار دارند.

وی با اشاره به اینکه "مت فرامک" و "راد نیلسستون"، وزرای منابع طبیعی و کشاورزی دولت ایالتی ویسکانسین نیز به همراه خودش به کانادا آمده و در نشست های گوناگون با مسئولان این کشور شرکت داشته اند، از نتایج این نشست ها اظهار رضایت کرد.

او همچنین گفت که وزیر بازرگانی این ایالت در گفت و گوها با همتایان کانادایی خود در استان های مورد بازدید، برای سرمایه گذاری در ایالت ویسکانسین به توافق های رضایت بخشی رسیده اند.

آقای دوئل در بخشی از سخنان خود گفت، که سیاست های هر دو کشور استفاده از منابع طبیعی برای مصارف گوناگون از جمله تولید انرژی می باشد.



"جیم دوئل" فرماندار "ایالت ویسکانسین" آمریکا

اما تأکید کرد که در همه حال حفظ محیط زیست از الویت بسیار بالایی برخوردار می باشد. چراکه این دریاچه ها گنجینه هایی پرارزشند، که ۹۵ درصد آب های تازه آمریکای شمالی را تشکیل می دهند. در عین حال بسیاری از مردم دو کشور روی این دریاچه ها حساب می کنند. وی اشاره کرد که دریاچه های مذکور به جز ارزش جغرافیایی، از قدر و قیمت تاریخی نیز برخوردارند.

او همچنین مقولاتی چون کشتیرانی را که برای اقتصاد همجواران این دریاچه ها از اهمیتی ویژه برخوردار هستند، از دیگر مسائل مربوط به این آبها دانست. سپس تأکید کرد که "نه تنها اقتصاد ما به این دریاچه ها بستگی دارد، بلکه باید آنها را برای نسل آینده حفظ کنیم."

آقای دوئل ویژگی مردم ایالت خود را "سخت کوشی" ذکر کرد، و تأکید نمود که این مردم برای آموزش و تحصیلات ارزشی

ویژه قائلند. او در ادامه افزود که "دانشگاه ویسکانسین" به علوم متعهد است، "و مطمئناً دانشگاه تورنتو نیز همینگونه می باشد. این تعهدها به ما کمک می کنند تا به اهدافمان در مورد دریاچه های بزرگ جامه عمل بپوشانیم."

وی از بین رفتن یک دریاچه، ورود جیوه به منابع آبهای طبیعی و تأثیرات منفی آن بر زندگی آبزیان از جمله ماهی ها، و تغییر آب و هوا را از نکات منفی سال های اخیر دانست. بنابراین خواستار آن شد که هرگونه فعل و انفعالی با توجه دقیق به محیط زیست و زیر نظر آگاهان به اینگونه امور انجام شود.

او گفت که اهمیت منابع طبیعی آب امروزه بیش از همیشه آشکارست. به طوری که حتی سبب کشمکش هایی در درون کشور ها هم شده است. وی برای نمونه به مناقشات ایالت های جرجیا و تنسی اشاره کرد. این دو ایالت اینک بر سر تعیین مرز خود با یکدیگر بحث و جدل دارند. چراکه جرجیا می خواهد "رودخانه تنسی" را داخل خود به حساب بیاورد.

آقای دوئل مجتمعات قدیمی آب را از دیگر عوامل منفی ذکر کرد، و تأکید نمود که باید در این زمینه نوآوری و نو پردازی وجود داشته باشد.

او از سران حکومت مرکزی کشور خود آمریکا انتقاد کرد، که آنگونه که باید و شاید در مورد مسئله تغییرات آب و هوا عکس العمل نشان نمی دهند. وی در ادامه خاطرنشان کرد: "این در حالیهست که ما می خواهیم حکومت مرکزی به فعالیت های ما بپیوندد، واقعا بداند این تغییرات با محیط زیست چه می کنند، و در مبارزه با آنها اقدامی عملی انجام دهد."

@

وی در بخش دیگری از سخنان خود خاطرنشان کرد که موافقتنامه موسوم به "اتحاد دریاچه های بزرگ" که از سوی نخست وزیران استان های انتاریو و کبک نیز امضاء شده، برای نخستین بار سبب برگزاری سیستم دوجانبه در مورد این دریاچه ها گشته و باعث شده این استان ها با ایالت های ویسکانسین و میشیگان همکاری نزدیکی داشته باشند. او در ادامه اظهار داشت که هماهنگی دو طرف ذینفع بسیار مهم است. مثلاً نباید قوانین در استان ها و ایالت های نامبرده برای کشتی هایی که در این دریاچه ها تردد می کنند، متفاوت باشد.

آقای دوئل گفت که این مسئله به حدی اهمیت دارد که هنگامی که نامزدهای انتخابات سال آتی ریاست جمهوری برای جمع آوری آرای مردم ویسکانسین به این ایالت سفر کردند، به عنوان فرماندار از آنها خواست که نظرشان را در مورد موافقتنامه مورد اشاره اعلام کنند.

وی با تأکید بر اهمیت پژوهش در این زمینه افزود: "دانشگاه ویسکانسین ۱۲۵ میلیون دلار دریافت کرده تا در مورد مسائل مهمی چون گرمایش زمین، کنترل میزان تولید کربن و سوخت های قابل بازسازی، تحقیق کند.

ما امیدواریم که بر اثر این پژوهش ها راه حلی برای این معضلات پیدا شود."



"جیم دوئل" به مناقشات ایالت های جرجیا و تنسی

اشاره کرد. این دو ایالت اینک بر سر تعیین مرز

خود با یکدیگر بحث و جدل دارند. چراکه جرجیا می

خواهد "رودخانه تنسی" را داخل خود به حساب

پس از سخنرانی فرماندار، گرداننده جلسه از حضار خواست که پرسش های خود را مطرح نمایند.

سوال نخست در مورد آب و برق بود. یکی از اهالی تورنتو ابراز اطمینان کرد که ساکنان آن سوی مرز نیز در مورد قیمت این خدمات، و سایر مسائل اقتصادی نگران هستند. این پرسشگر می خواست بداند چرا اینگونه دل نگرانی ها در سخنان آقای دوئل هیچ محلی از اعراب نداشت.

فرماندار ویسکانسین در پاسخ گفت که البته مایحتاج عمومی همواره از مسائل مهم

تلقى می شوند. بنابراین ممکنست برای بسیاری از مردم مسائل مربوط به تغییرات **بیابورد** آب و هوا و یا محیط زیست فوریت نخست نباشد. ولی "ما باید به خاطر بیابوریم که مثلاً در اواسط دهه ۱۹۷۰ (۱۳۵۰) که وضعیت نفت بد بود و وابستگی به آن زیاد، ما مشکلات زیادی در این پیوند داشتیم. بنابراین اگر طوری برنامه ریزی کنیم که بتوانیم مسائل انرژی را با در نظر داشتن احتیاط های محیط زیستی حل کنیم، ده یا پانزده سال دیگر مردم نمی گویند چرا در چند سال پیش (زمان کنونی ما) فکری به حال این معضلات نشده است."

وی در ادامه خاطرنشان کرد: "در عین حال مسئله انرژی که شما مطرح کردید، اتفاقاً جزء مهمی از سخنرانی من هم بود. چراکه همانگونه که گفتیم ما در دانشگاه ویسکانسین ۱۲۵ میلیون دلار را به امر پژوهش در مورد انرژی و برای کسانی اختصاص داده ایم، که ایده های خوبی در سر دارند. اما در عین حال باید اضافه کنم که در کنار نیاز به افراد دانشگاه دیده و تحصیل کرده، به کارگران ماهر نیز احتیاج داریم. چراکه در نظر است، تا سال ۲۰۲۵ (۱۴۰۴) انرژی را قابل بازسازی کنیم. برای این منظور به ایجاد ۲۰۰ هزار شغل از دارندگان دکترا در زمینه های مربوطه، تا کارگران رسته های گوناگون مانند لوله کشی نیاز داریم. زیرا باید در هر برنامه جدید تغییرات آب و هوا و همچنین این مهم را در نظر بگیریم، که بتوانیم روش مصرف را تغییر دهیم."

@

پرسش بعدی به مشکلات تردد در مرزهای مشترک بین دو کشور مربوط می شد. آقای دوئل در پاسخ اظهار داشت: "بله ما به طور مکرر این مسئله را از راه های گوناگون از جمله امضای طومار، با دولت مرکزی در میان گذاشته ایم. اما در عین حال این دولت نگران مسائلی مانند تروریسم است. ولی ما در سطح دولت های ایالتی مایلیم روابطمان با همسایگان کانادایی مثل کشورهای عضو اتحادیه اروپا باشد، و تردد در مرزها به همان سهولت انجام شود. ما می خواهیم دولت مرکزی در جریان باشد که می توان با قایقی معمولی از خاک کانادا به آمریکا و بالعکس رفت و آمد کرد، و نیازی به مقررات دست و پا گیر وجود ندارد. چراکه واشنگتن باید در جریان باشد، که وضعیت کنونی مشکل سازست."

نفر بعدی مایل بود در مورد نقش موافقتنامه های مورد نظر در بهبود وضعیت بین دو طرف اطلاعاتی کسب کند. فرماندار ویسکانسین خاطرنشان کرد که به همکاری خوب در حفظ سیستم حیات طبیعی، منافع مالی، کشتیرانی، و صنعت گردشگری بین دو کشور اعتقاد راسخ دارد. چراکه اگر مبارزه جای همکاری را بگیرد، کار خراب می شود.



"جیم دوئل": "ما در سطح دولت های ایالتی مایلیم روابطمان با همسایگان کانادایی مثل کشورهای عضو اتحادیه اروپا باشد، و تردد در مرزها به همان سهولت انجام شود. ما می خواهیم دولت مرکزی در جریان باشد که می توان با قایقی معمولی از خاک کانادا به آمریکا و بالعکس رفت و آمد کرد، و نیازی

این پاسخ سبب شد که فردی دیگر بپرسد چگونه می توان سیستم حیات طبیعی را حفظ کرد، و در عین حال به منافع اقتصادی مطلوب نیز دست یافت؟

آقای دوئل جواب داد: "همیشه بین گسترش اقتصادی و حفظ محیط زیست تقابل وجود دارد. اما اگر موافقتنامه هایی منطقی به امضاء طرفین برسد که در مورد آن کار کارشناسی صورت گرفته باشد و همه جوانب سنجیده شود، می توان در عین حفظ محیط زیست به منافع اقتصادی نیز دست پیدا کرد. مثلاً ما می دانیم که جریان کشتیرانی بین دو کشور از دیدگاه اقتصادی اهمیت زیادی دارد. در عین حال واقفیم که دوطرف باید از آب این دریاچه ها مصرف کنند. اما اگر مفاد موافقتنامه برای هر مورد تعریف شده و معقول باشد و خوب مدیریت شود، در عین اینکه برای حفظ محیط زیست و موجودات زنده این دریاچه ها زیانی به همراه نخواهد داشت، منافع اقتصادی هم در جای خود قابل دستیابی می شود."

پرسش آخر از جانب خانمی طرح شد، که در مقدمه گفت که سؤالش ارتباطی به **به مقررات دست و پا گیر وجود ندارد.** موضوع مورد بحث ندارد. او می خواست بداند پیش بینی آقای دوئل در مورد انتخابات پیش روی ریاست جمهوری کشورش چیست.

دوئل پاسخ داد که این موضوع اینک در صدر مسائل مورد توجه مردم جهان قرار دارد. او همچنین گفت که به عنوان یکی از کسانی که حق دارند در مورد معرفی نامزد احزاب برای رقابت با نامزد حزب دیگر رأی دهند، برای جان مک کین احترام زیادی قائلست. اما خودش تمایل دارد که نامزد حزب دمکرات و ترجیحا آقای باراک اوباما، به ریاست جمهوری کشورش انتخاب شود.

یادآوری می شود که این برنامه به عنوان بخشی از سری سخنرانی های سالیانه "سی وارن گلدرینگ" در مورد مسائل مشترک بین دو همسایه اجرا شد.

پانویشت

۱- این دریاچه ها عبارتند از برتر (سوپریور)، میشیگان، هیورون (میشیگان- هیورون)، اری و انتاریو که بزرگترین مجموعه دریاچه ای آب های تازه روی کره زمین را تشکیل می دهند. (واشنگتن پریم)

سوریه کبیری دبیر ارشد واشنگتن پریم است



از حوزه روابط بین الملل پاکستان: سناریویی کهنه، بازیگرانی نو

بکتاش سیاوش - واشنگتن پریم

کابل، افغانستان

به گفته مقامات ارشد آمریکایی و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، پس از امضای موافقتنامه صلح دولت جدید پاکستان با طالبان در آخرین هفته های سال روان میلادی (اوایل دی ماه سال گذشته خورشیدی)، افغانستان شاهد بیشترین آمار خشونت ها از زمان سقوط طالبان در این کشور بوده و کماکان از دیدگاه ستراتیژیک (راهبردی) شماری از مناطق شرق آن در اختیار نیروهای طالبان درآمده است.

همزمان با آغاز بازی دولت جدید پاکستان با طالبان، فشارهای سیاسی داخلی و خارجی بر دولت آمریکا به بیشترین میزان در شش سال گذشته رسیده است.

"دانا پرینو" یکی از سخنگویان کاخ سفید، از امضای توافقنامه یی بین طالبان و دولت گیلانی ابراز نگرانی کرد. وی در این پیوند گفت: "ما از این بابت خیلی نگرانیم، و به دولت پاکستان توصیه می کنیم به مبارزه علیه تروریسم ادامه دهند. همچنین هیچ یک از عملیات نظامی و امنیتی خود را که در حال اجرا هستند، متوقف نکنند.

چرا که بیم آن می رود که شمال پاکستان باز به بهشت امنی برای تروریست ها تبدیل شود."

بازیگران نو



براساس توافقنامه ۱۵ ماده‌ی دولت نوپای "یوسف رضا گیلانی" بازیگر محوری طرح مذاکره با طالبان، پاکستان در تلاش است در قبال آزادی و معاوضه زندانیان طالبان و عقب نشینی تدریجی ارتش این کشور از منطقه فدرالی قبایل و وزیرستان جنوبی، گروه‌های شبه نظامی افراطی را به آتش بس ترغیب کند.

کما اینکه گفته می‌شود در حالی که هنوز مذاکرات برای نهایی کردن این پیش نویس بین دولت و بزرگان منطقه قبایل در جریان است، "بیت الله محسود" رهبر شورشیان طالب به تمامی نیروهای تحت فرمان خود در این منطقه و استان مرزی شمال غرب دستور آتش بس داده و تهدید کرده اگر کسی از دستور وی سرپیچی کند به شدت مجازات می‌شود.

"دانا پرینو" سخنگوی کاخ سفید: "...به دولت پاکستان توصیه می‌کنیم به مبارزه علیه تروریسم ادامه دهند. همچنین هیچ یک از عملیات نظامی و امنیتی خود را که در حال اجرا هستند، متوقف نکنند. چرا که بیم آن می‌رود که شمال پاکستان باز به بهشت امنی برای تروریست‌ها تبدیل شود."

با این اقدام محسود، اکنون میله‌های تفنگ حامیان وی به سمت افغانستان نشانه رفته، و این جنگ سالار پاکستانی تهدید کرده است که جهاد در افغانستان را تا زمانی ادامه خواهد داد که نیروهای آمریکایی و ناتو آن کشور را ترک کنند.

@

این مساله نگرانی دولت‌های غربی به ویژه آمریکا را از اقدامات دولت گیلانی دوچندان کرده است. در واقع دولت جدید پاکستان در سیاستی جدید، راهی کاملاً مخالف مسیر مشرف را در پیش گرفته است. مسیری که در هفت سال گذشته به عنوان بزرگترین متحد آمریکا در جنگ با ترور برای مهار حرکت‌های افراطی و تروریستی در شمال این کشور، تنها شیوه نظامی را برگزیده بود.

اما شخص گیلانی، ادعای مذاکره با طالبان را کاملاً رد کرده است. به طوری که هفته گذشته در مصاحبه‌ی با نیوزویک تاکید نمود: "ما نمی‌خواهیم با شبه نظامی‌ها و افراطی‌ها مذاکره کنیم. ما فقط با آنهایی گفت و گو خواهیم نمود، که اسلحه خود را زمین گذاشته و ترک محاصره کرده‌اند."

پیروزی بزرگ بن لادن

آزادی سفیر پاکستان در افغانستان که در حد فاصل مسیر پیشاور به کابل در وزیرستان جنوبی توسط نیروهای منتصب به بیت الله محسود ربوده شده بود، به آزادی متقابل بیش از ۴۰ تن از زندانیان طالبان منجر شد که در اختیار دولت پاکستان بودند. در عین حال دعوت محسود از خبرنگاران برای برگزاری کنفرانس مطبوعاتی در وزیرستان جنوبی که قلمرو وی محسوب می‌شود نیز، از نشانه‌های پیشرفت مذاکرات بین دولت جدید پاکستان و طالبان در هفته‌های اخیر به شمار می‌رود. پیشرفتی که آمریکا آن را "پیروزی بزرگ بن لادن" خوانده، و محکوم کرده است.

در پی این ناکامی‌ها کاخ سفید و رهبری ناتو با اعلام نگرانی از وضعیت جاری در پاکستان، می‌کوشند تا صدمات حقیقی و تبلیغاتی ناشی از این ناکامی را به حداقل کاهش دهند.

ژنرال "دیوید پترائوس" فرمانده نیروهای نظامی آمریکا در عراق روز ۲۵ ماه می (۵ خرداد) در "کمیته نیروهای مسلح" مجلس سنای این کشور، دیداری با وکلای این مجلس داشت. او در این دیدار گفت برای شکار "اسامه بن لادن" رهبر نیروهای القاعده در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور شمال پاکستان، طرحی جدیدی را پیشنهاد کرده است. بر مبنای این طرح باید اسامه بن لادن دستگیر، و یا هم از بین برده شود.



دولت جدید پاکستان در سیاستی جدید، راهی کاملاً
مخالف مسیر مشرف برای مهار حرکت‌های افراطی
و تروریستی در شمال این کشور را در پیش گرفته
است

ژنرال پترانوس که در مسیر ارتقاء درجه می باشد، قرار است به عنوان فرمانده جدید نیروهای مرکزی آمریکا در منطقه خاورمیانه معرفی شود. همانگونه که گفته شد وی در چهار سال گذشته فرمانده نیروهای کشور خود در عراق بوده است. در سمت جدید نیز، از داخل خاک آمریکا هدایت نیروهای کشورش در منطقه خاورمیانه را برعهده خواهد داشت.

او در سمت جدید از اختیارات بیشتری برخوردار خواهد بود. یعنی علاوه بر عراق، مسائل نظامی افغانستان و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس نیز در حوزه اختیارات وی قرار خواهد گرفت.

@

این ژنرال که در جلسه کمیته نیروهای مسلح آمریکا صحبت می کرد، گفت که با آغاز مأموریت جدیدش خواهد کوشید تا سران سیاسی پاکستان را با خود همسو کند، و مهره اصلی حرکت القاعده در شمال پاکستان را مرده یا زنده به دام بیاندازد.

وی همچنین اظهار داشت: "در برهه کنونی نیاز کلیدی ما برآورد میزان صحت و درکمان از دلایلی است، که آن ها را در مناطق مرزی پاکستان نگه داشته است. بنابراین در صورتی که به عنوان فرمانده ستاد مرکزی ارتش انتخاب شوم، در یکی از اولین سفرهایم به پاکستان خواهم رفت تا با دیگر فرماندهان ارتش آمریکا در منطقه و ژنرال پرویز اشفاق کیانی و البته دیگر رهبران سیاسی پاکستان به مذاکره و رایزنی بنشینیم."

مسوولان دولت آمریکا بار ها اعلام کرده اند که رهبران دو گروه طالبان و القاعده و در رأس آنها ملا عمر و اسامه بن لادن، در مناطقی از پاکستان مخفی شده‌اند. اما پاکستان این ادعا را به شدت رد می کند.

پاکستان، سیا و دیپلمات ها

بنابراخبار درز کرده به رسانه ها، بسیاری از مقامات اطلاعاتی آمریکا براین عقیده‌اند که واشنگتن باید پاکستان را در زمینه مصالحه با شبه نظامیان تحت فشار قرار دهد.

یکی از این مقامات می گوید: "ما همواره گفته ایم که این امر - مصالحه با شبه نظامیان- اوضاع را بدتر می‌کند."

این در حالی است که سایر مقامات دولت آمریکا از جمله دیپلمات های وزارت خارجه این کشور براین عقیده‌اند، که رهبری جدید پاکستان باید فضای کافی برای رسیدگی به مشکلات خود را داشته باشد.

کما اینکه يك مقام ارشد آمریکایی گفته، که دولت جدید پاکستان خواستار فاصله گرفتن از سیاست‌های پرویز مشرف رئیس جمهور این کشور است. چراکه آنها می خواهند، با روش خود با تروریسم مبارزه کنند. وی خاطرنشان کرد: "دولت بوش خواستار آن است که با تلاش‌های اسلام آباد- به شرطی که رهبران قبیله ای و دولت پاکستان توافق صلح را تقویت کنند- همسو باشد."

"بروس ریدل" یکی از کارشناسان ارشد پیشین سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) نیز، در این پیوند می گوید: "سکوت



"بروس ریدل": "سکوت احتمالاً بهترین ژست آمریکا در افکار عمومی می باشد. زیرا بسیار روشن است که دولت پاکستان در این زمینه، به واشنگتن گوش فرا نمی دهد." تروریست ها به واشنگتن گوش فرا نمی دهد."

احتمالاً بهترین ژست آمریکا در افکار عمومی می باشد. زیرا بسیار روشن است که دولت پاکستان در این زمینه، به واشنگتن گوش فرا نمی دهد."

بکتاش سیاوش خبرنگار مستقل، از افغانستان با واشنگتن پریم همکاری می کند



از حوزه سیاسی- اجتماعی افغانستان: یک نظر سنجی، پنج نتیجه گیری

بکتاش سیاوش - واشنگتن پریم

کابل، افغانستان

از کدام رژیم دل خوش دارید؟

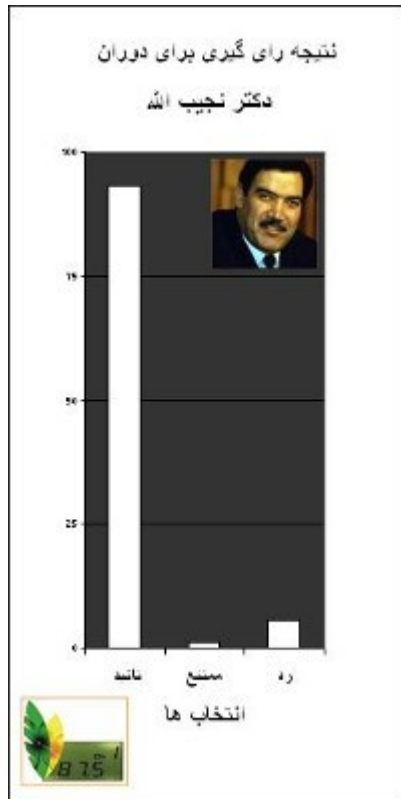
ایستگاه رادیوی خصوصی "وطندار" نظرخواهی ای را سفارش داد، که در آن ۵ هزار شهروند افغان از پایتخت و ولایت های همجوار شرکت کردند.

این نظرخواهی بخشی از مجموعه برنامه های ویژه رادیوی مورد اشاره برای پنج آخرین دولت گذشته افغانستان بود. مجموعه برنامه هایی که از ۲۰ تا ۲۹ ثور/اردیبهشت (۹ الی ۱۸ ماه مه) سال جاری پخش و منتشر گردید.

نظرخواهی وطندار که در شهر کابل و حومه ی آن انجام یافت، بر کارکردهای پنج آخرین رژیم گذشته افغانستان، یعنی از آخرین حاکمیت کمونیستی تا دولت به رهبری "حامد کرزی" متمرکز بود. براساس نتیجه این نظرخواهی دکتر "نجیب الله" با کسب ۹۳/۲ درصد رای مثبت در صدر، و "ملا محمد عمر" با کسب نزدیک به ۸۰ درصد آرای منفی در پایان جدول قرار گرفتند.

دکتر نجیب الله

همانگونه که گفته شد نتایج این نظر خواهی نشان می دهد که ۹۳/۲ در صد از شهروندان شرکت کننده درین رأی گیری معتقدند که حکومت به رهبری دکتر نجیب الله، حاکمیت مطلوب برای افغانستان بوده است. در حالی که فقط ۶/۲ در صد ازین شهروندان اعتقاد دارند، که وی رهبر مناسبی برای این کشور نبوده است. در میان پاسخ دهندگان تنها ۵ در صد بر این نظرند، که این حکومت نه مطلوب و نه نا مطلوب بوده است.



دکتر نجیب الله از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۱ (۱۹۸۶ الی ۱۹۹۲) آخرین رئیس جمهوری رژیم کمونیستی تحت حمایت اتحاد جماهیر شوروی سابق در افغانستان بود. وی قبل از پیروزی مجاهدین در ۹ اردیبهشت ۱۳۷۱ (۲۸ آوریل سال ۱۹۹۲) به دفتر سازمان ملل در کابل پناه برد، و تا اشغال این شهر بوسیله ی طالبان در شهریور ۱۳۷۴ (سپتمبر ۱۹۹۵) در آنجا ماند.

اما طالبان با تسلط بر کابل و پایان دادن به حکومت مجاهدین در صبحگاه نخستین روز ورود به کابل، دکتر نجیب و برادرش شاهپور احمدزی را کشتند و در چهار راه آریانا در نزدیکی ارگ ریاست جمهوری افغانستان به دار آویختند.

حضرت صبغت الله مجددی

تنها ۳۷/۶ در صد از شرکت کنندگان در رأی گیری معتقد بودند دوره شش ماهه ی که از آن به حاکمیت به رهبری پروفیسور "حضرت صبغت الله مجددی" نامبرده می شود، حاکمیت قابل اعتبای برای شهروندان این کشور بوده است. ۶۰/۹ درصد از این شرکت کنندگان اعتقاد داشتند که دوره زمامداری وی برای بهبود شرایط زندگی مردم کمکی نکرده، و ناکام بوده است. ۱/۵ در صد هم نه آنرا تأیید و نه هم رد می کردند.

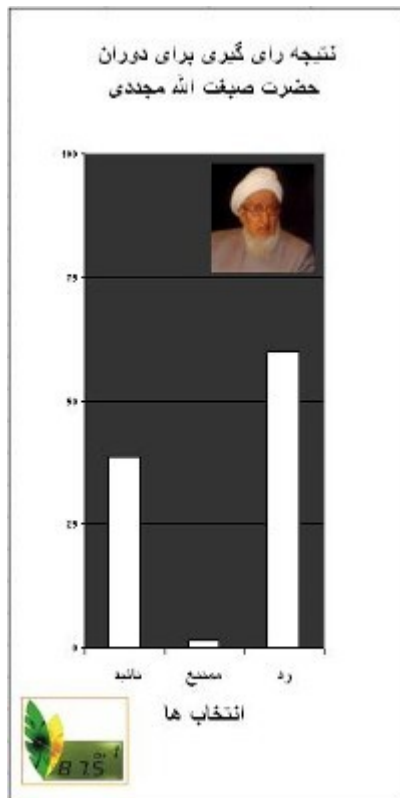
حضرت صبغت الله مجددی به مدت شش ماه در افغانستان، نخستین رئیس دولت اسلامی مجاهدین پس از فروپاشی حاکمیت های کمونیستی در سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) بود. او در حال حاضر رئیس مجلس سنا و رئیس کمیسیون مستقل تحکیم صلح در این کشور می باشد.

استاد برهان الدین ربانی

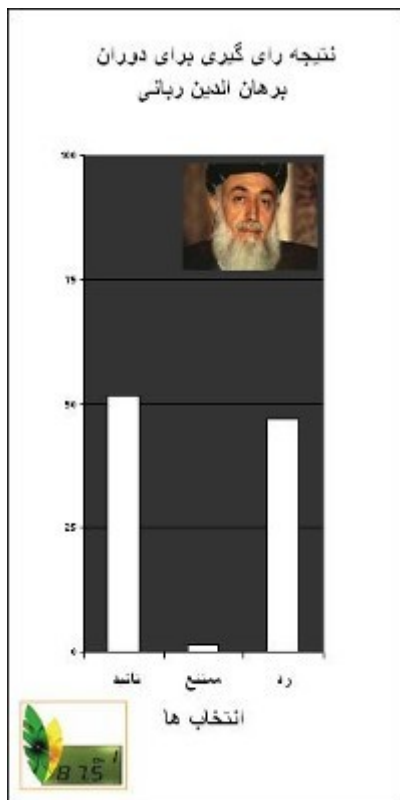
۵۱/۶ در صد از شرکت کنندگان در رأی گیری رادیو وطندار احساس می کردند که روی هم رفته حاکمیت به رهبری استاد برهان الدین ربانی، حکومت موافقی بوده است. در حالی که ۴۷ درصد رأی مخالف و ۱/۴ در صد رأی ممتنع نیز به دوره زمامداری وی به چشم می خورد.

استاد برهان الدین ربانی دومین رئیس دولت اسلامی مجاهدین در سال های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵ (۱۹۹۲ الی ۱۹۹۶) در افغانستان بود. در حال حاضر نیز رهبری "جمعیت اسلامی افغانستان" و جبهه ملی (اپوزیسیون مقتدر دولت) را برعهده دارد، و وکیل مردم در مجلس نمایندگان می باشد.

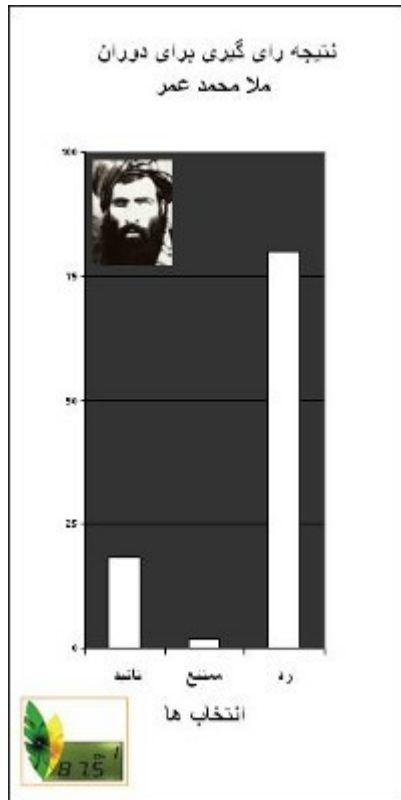
ملا محمد عمر مجاهد



نزدیک به ۱۸/۴ در صد از رأی دهندگان در نظر خواهی مورد اشاره گفتند، که ملا محمد عمر رهبر مناسبی برای افغانستان بوده است. در حالی که ۷۹/۹ در صد به عکس این مطلب رای داده، و وی را رد کردند. درین نظر خواهی ۱/۷ در صد از شرکت کنندگان تنها به رای ممتنع اکتفا نمودند.



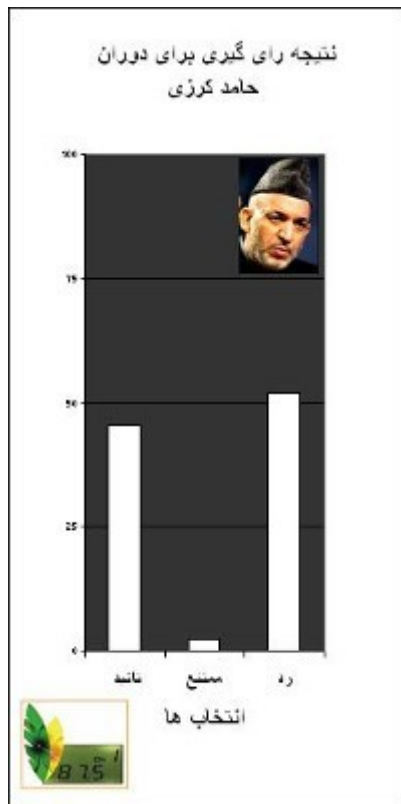
ملا محمد عمر بنیانگذار امارت اسلامی در افغانستان بود، که در سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱ (۱۹۹۶ الی ۲۰۰۲) در نود در



صد از خاک این کشور حکمروایی داشت. وی پس از حمله نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا از قدرت خلع گردید، و در جای نا معلومی پنهان شد. او در حال حاضر رهبر اپوزیسیون مسلح دولت و نیروهای خارجی مستقر در افغانستان می باشد.

حامد کرزی

در حالی که ۵/۵ در صد از پاسخ دهندگان قبول داشتند که حامد کرزی روزنه ای را برای آینده افغانستان باز کرده و رهبر موفقی در این کشور بوده است، تقریباً نزدیک به ۵۲ درصد از رأی دهندگان در مورد دولت به رهبری وی نظر منفی داشتند. درین نظر خواهی ۵/۲ در صد از شرکت کنندگان رای ممتنع برای او را مد نظر قرار دادند.



حامد کرزی نخستین رییس جمهوری افغانستان است، که با آرای مستقیم مردم به این مقام رسید. او در سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴)

از میان هجده نامزد دیگر و با کسب بیش از ۵۰ درصد آراء، ریاست دولت این کشور را برای یک دوره پنج ساله به دست آورد. دوره ریاست جمهوری وی سال آینده به پایان می رسد.

البته نارضایی شرکت کنندگان در نخستین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان و عدم کارایی دولت منتخب، تا حد زیادی از علاقه مندی مردم برای شرکت در حرکت های دیموکراتیک کاسته است. اما روی هم رفته آگاهان بدین باورند که یافته های این نظر سنجی جدید، احتمالاً مایه دلگرمی مردم گردیده و ایجاد شور و شوق برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده را بیشتر خواهد کرد.

بکتاش سیاوش خبرنگار مستقل، از افغانستان با واشنگتن پریم همکاری می کند



از حوزه روابط بین الملل روسیه و گرجستان: افزایش تنش

حسن بهشتی پور

طرح مساله

در چند روز اخیر وقوع چند رویداد مهم نشان دهنده افزایش قابل توجه تنش در مناسبات روسیه و گرجستان است. در مهم ترین این رویداد ها وزارت امور خارجه گرجستان؛ خروج این کشور از قرارداد دو جانبه همکاری ضد هوایی را به طور رسمی به روسیه ابلاغ کرد. این اقدام در پی سرنگونی هواپیمای بدون خلبان گرجستان در جمهوری خودخوانده آبخازیا صورت گرفت.

روسیه نیز گرجستان را به انجام پروازهای نظامی در منطقه ممنوعه و دامن زدن به تنش در منطقه مورد مناقشه آبخازیا متهم می کند. قرارداد همکاری ضد هوایی روسیه و گرجستان در سال ۱۹۹۵ میلادی (۱۳۷۴ خورشیدی) میان وزارت دفاع دو کشور امضا شده بود. گرجستان چندی پیش نیز به حضور در شورای وزیران دفاع جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع پایان داده بود.

در رویداد دوم بنابر اعلام وزارت دفاع روسیه نیروهای صلح بان اعزامی این کشور به مناطق متشنج مرزهای آبخازیا و گرجستان به نحو قابل توجهی افزایش یافته است. ژنرال سرگنی چابان فرمانده نیروهای صلح بان روسیه در آبخازیا کار تمرین با نیروهای تحت امر خود را در خصوص استفاده عملی از مستندات عملیات صلح بانی در منطقه مورد مناقشه

گرجستان و ابخازیا آغاز کرده است. هفته گذشته روسیه با افزایش هزار نفر دیگر به نیروهای خود در ابخازیا شمار این نیروها را به سه هزار تن افزایش داد.



ابخاز در شمال غرب گرجستان و ساحل دریای سیاه
واقع است و در زمان اتحاد شوروی از جمله
تفریحگاه های مهم به شمار می رفت

پیشینه بحث

ابخاز در شمال غرب گرجستان و ساحل دریای سیاه واقع است و در زمان اتحاد شوروی از جمله تفریحگاه های مهم به شمار می رفت. اکثریت جمعیت بومی این سرزمین، که پس از خروج حدود ۲۵۰ هزار ساکن گرجی آن به اندکی بیش از ۲۵۰ هزار نفر می رسد، به قوم ابخاز تعلق دارند که از نظرتاریخی و فرهنگی دارای ریشه های مشترک با ساکنان شمال قفقاز هستند. ابخازها چون مسلمان هستند از لحاظ فرهنگی هم با گرجی ها مسیحی ارتودوکس اشتراکات فرهنگی ندارند.

اقتصاد این سرزمین، علاوه بر توریسم، به کشت چای، مرکبات و تنباکو وابسته بوده است. پس از فروپاشی اتحاد شوروی و استقلال گرجستان در سال ۱۹۹۱ (۱۳۷۰)، ابخاز که از نظر تشکیلات اداری از سال ۱۹۳۱ (۱۳۱۰) یکی از جمهوری های خودمختار گرجستان تلقی می شد، اعلام کرد که خواستار استقلال کامل و نزدیکی بیشتر با روسیه است.

در سال ۱۹۹۲ (۱۳۷۱)، دولت گرجستان به منظور خاتمه دادن به جنبش استقلال طلبانه ابخاز به اعزام نیروی نظامی به این منطقه مبادرت کرد. اما در پی مقاومت شدید نیروهای محلی با کمکهای روسیه، نیروهای گرجی ناچار به عقب نشینی شدند. عقب نشینی نیروهای گرجستان اخراج و آوارگی بیش از ۲۵۰ هزار تن از ساکنان گرجی تبار ابخاز را در پی داشت. در سال ۱۹۹۴ (۱۳۷۳)، رییس جمهوری ابخاز رسماً استقلال آن سرزمین و تشکیل یک جمهوری مستقل را اعلام کرد که با وجود حمایت ضمنی روسیه، هرگز از سوی جامعه بین المللی به رسمیت شناخته نشد.

@

علاوه بر ابخازی منطقه اوستیای جنوبی که استان خودمختار در شمال شرقی گرجستان است همچون ابخازی مسیر جدایی از گرجستان را در پیش گرفته است. این منطقه که ۳۹۰۰ کیلومترمربع وسعت دارد و کمتر از صد هزار نفر جمعیت را شامل می شود.

اوس ها از اقوام هند اروپایی شاخه ایرانی در قفقاز شمالی محسوب می شوند که پیوند نزدیکی با فرهنگ ایرانی هم دارند.

از آنجا که بیشتر اوستیایی ها در بخش شمالی که تحت قلمرو روسیه محسوب می شود، زندگی می کنند استقلال خواهی این بخش در واقع مقدمه ای بر یکپارچگی آن با بخش شمالی اوستیا و در نهایت ضمیمه شدن به روسیه خواهد بود. به همین دلیل روشن است که استقلال خواهی استان خودمختار اوستیای جنوبی از گرجستان به معنای پیوستن قطعی آن به روسیه خواهد بود.

این مساله موضوع استان خودمختار اوستیای جنوبی و جمهوری خودمختار ابخازی را پیچیده تر کرده است.

موقعیت ژئوپولتیکی قفقاز

منطقه قفقاز از نظر ساختار ملیتی و قومیتی یکی از پیچیده ترین منطقه‌ها در سطح دنیا است. از دیدگاه منابع خدادادی و انرژی نیز حائز اهمیت می باشد. این منطقه برزخ بین آسیا و اروپا است که با گذشت قرن‌ها، جابجایی های مختلف در آن انجام شده است. قفقاز مکان سرکوب بسیاری از گروه هایی است که از سوی دولتهای مختلف در این سرزمین، تحت فشار قرار گرفته بودند.

اکنون در این منطقه بیش از ۵۰ قومیت زندگی می کنند و مردم آن در کل به چهار خانواده زبانی تقسیم می شوند: قفقاز شمالی، کارتولی، آلتایی و هند و اروپایی.



خانواده قفقاز شمالی در برگیرنده گروه آبخاز- آدیگسکی و ناخسکو- داغستانی است، خانواده هند و اروپایی در قفقاز بیشتر گروه ارمنی، ایرانی و اسلاویایی را دربرمی گیرد و خانواده آلتایی در برگیرنده گروه ترک است. بیشتر ساکنین قفقاز اقوام ایرانی هستند که در حکومت قاجار به اشغال روسها در آمدند.

تحلیل وضعیت موجود

به دنبال گسترش حضور نظامی آمریکا در شرق اروپا که در قالب توسعه ناتو به شرق اروپا و جنوب قفقاز در حال اجرا است، روسیه می کوشد از همه امکانات خود برای متوقف کردن پیش روی آمریکا بهره بگیرد.

در بیاتیه ای که از سوی دولت اسلونی به عنوان رییس دوره ای اتحادیه اروپا منتشر شد آمده است اتحادیه اروپا از مجموعه حوادثی که اخیرا باعث افزایش تنشها بین گرجستان و فدراسیون روسیه شده است به شدت نگران است

در همین حال با به اجرا در آمدن طرح موسوم به سپردفاع موشکی در لهستان و چک روسیه امنیت ملی خود را با تهدید جدی روبرو می بیند. به همین دلیل با به تعلیق درآوردن پیمان پاریس مربوط به کاهش نیروهای متعارف در اروپا و استقرار پایگاه های موشکی جدید در کالین گراد، روسیه سفید و ارمنستان می کوشد آمریکا را به تجدید نظر در استقرار سپر دفاع موشکی وادار سازد. اگرچه بعید است آمریکا با این اقدام ها در سیاست خود تجدید نظر کند اما به هر حال بعد از اعلام استقلال کوزوو و جدا شدن آن از صربستان مهم ترین متحد روسیه در بالکان و آخرین سد مقاومت در برابر گسترش نفوذ ناتو، روسیه ضمن مخالفت شدید با اعلام استقلال کوزوو، تلاش کرد رهبران آبخازیا و اوستیای جنوبی را به ارائه درخواست از مجامع جهانی برای به رسمیت شناختن استقلال خود تشویق نماید.

@

این سیاست گرجستان را که از سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲) پس از سرنگونی حکومت شه وارد نادره و به قدرت رسیدن ساکاشویلی در جریان انقلاب گل رز به اردوگاه غرب پیوسته است؛ بر آن داشت تا از آمریکا و اتحادیه اروپا بخواهد تا به روسیه فشار بیشتری وارد سازند.

اما روسیه که از روز چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت (۷ ماه مه) با زمام داری مدودیوف دوران جدیدی را آغاز کرده است در این مورد کوتاه نخواهد آمد و به نظر می رسد هشدار های آمریکا و اتحادیه اروپا بیشتر تنها برای رفع تکلیف مطرح شده است.

کاخ سفید روز سه شنبه ۱۷ اردیبهشت (۶ ماه مه) در شدید ترین اظهار نظر خود خطاب به روسیه از این کشور خواست از اقدامات تحریک امیز در مناطق جدایی طلب ابخازی و اوستیای جنوبی در گرجستان دست بردارد

دانا پرینو سخنگوی کاخ سفید در گفتگویی مطبوعاتی اعلام کرد آمریکا از دولت روسیه می خواهد بار دیگر تعهد خود را در زمینه احترام به تمامیت ارضی و حق حاکمیت گرجستان اعلام کند و تدابیر یکجانبه خود را درباره ابخازی و اوستیای جنوبی

مورد بازنگری قرار دهد و از هر گونه اقدام تحریک امیز در این زمینه دست بردارد.

اتحادیه اروپا نیز در همان روز با انتشار بیانیه ای ضمن ابراز نگرانی از افزایش تنشها در روابط روسیه و گرجستان طرفین را به رعایت اصل خویششننداری دعوت کرد. در این بیانیه که از سوی دولت اسلوانی به عنوان رییس دوره ای اتحادیه اروپا منتشر شد آمده است اتحادیه اروپا از مجموعه حوادثی که اخیرا باعث افزایش تنشها بین گرجستان و فدراسیون روسیه شده است به شدت نگران است. این اتحادیه از همه طرفها می خواهد از هرگونه اقدامی که می تواند تنشها را افزایش دهد اجتناب و اقدامات لازم را برای اعتمادسازی مجدد انجام دهند.

در این بیانیه آمده است اتحادیه اروپا تعهد جدی خود را به حفظ حق حاکمیت استقلال و یکپارچگی سرزمینی گرجستان بیان می کند. این بیانیه بر این نکته تاکید می کند که اتحادیه اروپا از هر گونه تلاشی برای پیدا کردن راه حل صلح امیز برای مشکلات منطقه استقبال می کند.

این دوموضع گیری به خوبی موید این نظراست که اتحادیه اروپا و آمریکا مایل نیستند بخاطر گرجستان با روسیه آن هم در دوران انتقال قدرت وارد جنگ لفظی جدیدی شوند.

نکته مهم آن است که روسیه به دلیل مرز مشترک چین با گرجستان نگران شروع تحرکات تازه در این مرزها است. دره پانکسی در مرز مشترک که مرکز پشتیبانی چینی ها محسوب می شود، طی سالهای اخیر شدیداً تحت کنترل نیروهای روسیه بوده است. زیرا جدایی طلبان چینی تنها از این منطقه به خارج روسیه دسترسی داشتند.

پیش بینی تحولات آتی

به نظر می رسد اکنون که روسیه بحران جدایی طلبان چینی را کاملاً سرکوب کرده است از بابت تکرار تجربه کوزوو برای این منطقه نگرانی ندارد. به همین دلیل با تشویق جدایی طلبان در آبخازی و اوستیای جنوبی می کوشد عرصه را برای گرجستان به عنوان مهم ترین متحد آمریکا در قفقاز جنوبی تنگ تر کند شاید زمینه برای ایجاد تغییرات جدید در گرجستان در آستانه برگزاری انتخابات پارلمانی فراهم شود.



ساکاشویلی با دادن امتیازهای بیشتر به غرب تلاش می کند فشار روسیه را از طریق حمایتهای آمریکا و اتحادیه اروپا کاهش دهد. اما در عمل توان برقراری حاکمیت مجدد بر آبخازی و اوستیای جنوبی را ندارد

در این موقعیت ساکاشویلی با دادن امتیازهای بیشتر به غرب تلاش می کند فشار روسیه را از طریق حمایتهای آمریکا و اتحادیه اروپا کاهش دهد. اما در عمل توان برقراری حاکمیت مجدد بر آبخازی و اوستیای جنوبی را ندارد. بر این اساس گرجستان با مقدمه چینی برای عضویت در ناتو که همه پرسى عمومی آن با تائید هفتاد درصد مردم در دو ماه قبل انجام شد موقعیت قفقاز جنوبی را در شرایط حساسی قرار داده است. اگر مخالفت آلمان و فرانسه در اجلاس سران ناتو در بخارست نبود گرجستان به همراه اوکراین به عضویت ناتو درآمده بودند. ولی قرائن و شواهد موجود نشان می دهد این روند حداقل برای دو سال آینده به تاخیر افتاده است.

آقای حسن بهشتی پور پژوهشگر مستقل و کارشناس مسائل منطقه به ویژه روسیه و کشورهای استقلال یافته از اتحاد جماهیر شوروی پیشین می باشد. مقاله فوق بدون هیچ دخل و تصرفی از وبستان ایشان عاریت گرفته شده است. برای خواندن سایر نوشته های وی، می توان به پیوند زیر مراجعه کرد:

[/http://beheshtipour.blogfa.com](http://beheshtipour.blogfa.com)



از حوزه روابط بین الملل رابطه تهران- واشنگتن بعد از جرج بوش: انتظار تا انتخابات ۱۳۸۸ ایران

امید معماریان- واشنگتن پریم

صرف نظر از اینکه کدام یک از سه نامزد باقی مانده در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در ماه نوامبر (آبان) به پیروزی برسد، سه موضوع محور سیاست ایالات متحده در مورد ایران خواهد بود. این سه موضوع عبارتند از: گزینه نظامی همچنان روی میز قرار خواهد داشت، ایران هسته ای تحمل نخواهد شد، و پیش از انتخابات ریاست جمهوری ایران هیچ گفت و گوی موثر و جامعی با مقامات این کشور صورت نخواهد گرفت.

"هنری وکسمن" رییس "کمیته نظارت و اصلاح دولت" یعنی اصلی ترین کمیته تحقیق و تفحص کنگره آمریکا، از افراد نزدیک به رهبری حزب دمکرات در کنگره به شمار می رود.

روی دیوار سمت چپ میز کار وی عکس هایی از خودش به همراه رهبران خاورمیانه از دیدار با "فیصل" پادشاه عربستان در دهه هفتاد میلادی (پنجاه خورشیدی) گرفته، تا ملاقات سال جاری با "ایهود المرت" دیده می شود.

وقتی از او می پرسیم که آیا می تواند تصور کند طی دو سه سال آینده عکسی از وی و "محمود احمدی نژاد" در کنار دیگر عکس های روی دیوار اتاق کارش قرار بگیرد، پاسخ می دهد: "هیچ محدودیتی برای گذاشتن عکس وجود ندارد. چراکه این امید را دارم که بتوانیم روزی با ایران تماس برقرارکنیم. اما امیدوارم آن روز، محمود احمدی نژاد رییس جمهور نباشد."

برای وکسمن اظهارات ضداسرائیلی و جنجال برانگیز رییس جمهوری ایران، یکی از موانع نزدیکی به تهران به شمار می رود. با این حال همزمان می گوید که نمی داند چرا جمهوری خواهان در سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲) پیشنهاد "معامله بزرگ" ایرانی ها را جدی نگرفتند، و چرا تماس ها و گفت وگوهای مستقیم بیشتری بین دو کشور برقرارنشد.

او در ادامه می افزاید: "فکر می کنم یک دولت دمکرات به احتمال زنده کردن گفت وگو ها درخصوص معامله بزرگ یا چیزی شبیه آن بازگردد. نمی دانم چنین اقدامی چقدر می تواند موفقیت آمیز باشد. اما مطمئنم که دمکرات ها به این موضوع به عنوان یک فرصت از دست رفته نگاه می کنند."

این نماینده کنگره آمریکا می گوید که اگر سناتور مک کین رییس جمهور این کشور شود، مواضع سختگیرانه تری درمورد ایران اتخاذ خواهد کرد. به عقیده وی در هر صورت گزینه نظامی روی میز است. او در این پیوند خاطرنشان می کند: "شما وقتی به مذاکره می روید، همه اهرم های خود را حفظ می کنید. یکی از مسائلی که ما به دنبال آن هستیم، این است که نمی خواهیم شما یک قدرت هسته ای باشید. یک گزینه این است که شما متوجه بشوید، اجازه بازرسی بدهید و به تجارت و رونق بقیه دنیا بپیوندید. راه دیگر این می باشد، که ما از تحریم استفاده می کنیم. خیلی صریح بگویم بسیار غیرقابل قبول است، که ما گزینه نظامی را از روی میز برداریم."

وکسمن که نماینده بخشی هایی از شهرلس آنجلس است که ایرانی- آمریکایی های زیادی را در خود جای داده، درخصوص



"پاتریک کلاوسون": "اگر قبول کنیم که ایران در موقعیت قوی قرار دارد، باید گفت که این قوی است که خود را به ضعیف نزدیک می کند. (بنابراین) این ایران قوی است که می تواند پیشنهادات خود را به آمریکا ارائه کند و بگوید معامله این است، و این چیزی می باشد که ما می خواهیم."

واکنش موکلانش در پیوند با رابطه ایران و آمریکا می گوید: "من پیام های ضد و نقیضی از آنها می گیرم. زیرا برخی می گویند با این آدم ها (دولت ایران) صحبت نکنید، و ما تغییر رژیم می خواهیم. اما اغلب مواقع اظهار می دارند که از حمله نظامی بر علیه ایران استفاده نکنید، که بدترین کار خواهد بود."

"سوزان مالونی" مشاور سابق وزارت خارجه آمریکا، کارشناس عالی "مؤسسه بروکینگز" در شهر واشنگتن دی سی است. وی که طی سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴ (۱۳۸۲ الی ۱۳۸۳) مدیر پروژه کاری رابطه ایران و آمریکا در "شورای سیاست خارجی" بوده، معتقد است که دولت بوش هم تمایلاتی برای گفت و گو با ایران نشان داده است. اما این تمایلات زیر بار سوء تفاهم های گذشته، مدفون شده است.

او در این پیوند می گوید: "من واقعا فکر می کنم که دولت بوش حداقل در دو سال اخیر تلاش کرده است، که راهی برای گفت و گو پیدا کند. البته طی پنج سال اول دولت وی، مقاومت زیادی برای گفت و گو مستقیم با ایران وجود داشت. اما این موضوع اخیرا به شکلی بنیادین تغییر پیدا کرده است."

به اعتقاد وی تلاش ها برای آغاز مذاکره با ایران به دلیل صحبت های گذشته دولت بوش در خصوص سیاست "تغییر رژیم ایران" و ادامه لحن جنگجویانه، در اواخر ماه مه ۲۰۰۶ (اوایل خرداد ۱۳۸۵) به شکست انجامیده است.

او در ادامه می افزاید: "به عنوان یکی از پایه های درک سیاست در واشنگتن، دیپلماسی باید از ابعاد قهری و اجبارکننده برخوردار باشد. منظور از جنبه قهری، اقتصادی یا نوعی فشار نیروی نظامی و یا چیزهای دیگر است."

با این همه مالونی تصریح می کند که با توجه به شرایط کنونی آمریکا، شک دارد هر کس دیگری هم که بعنوان رئیس جمهور به کاخ سفید برود، بخواهد از جنگ با ایران صحبت کند.

وقتی از وی می پرسیم که آیا نحوه برخورد با ایران می تواند یکی از عواملی باشد که رای دهندگان آمریکایی به آن توجه داشته کنند، می گوید: "رای دهندگان آمریکایی مانند رای دهندگان ایرانی، آرای خود را براساس سیاست خارجی به صندوق ها نمی ریزند. کمالینکه بیشتر مطالعات و تجربه من نشان می دهد که رای آمریکایی ها را وضعیت کیف پول و مسائل اقتصادی، و نه مقولات پیچیده و بزرگ سیاست خارجی، تعیین می کند."

این کارشناس ایران و خاورمیانه مؤسسه بروکینگز می افزاید: "در واشنگتن تصور عمومی این است، که رهبران ایرانی می دانند اندکی طول خواهد کشید تا دولت جدید آمریکا بخواهد به موضوع ایران بپردازد. آنها می بینند که طی سال های گذشته بین دولت های دمکرات و جمهوری خواه، تشابهات زیادی درمورد ایران وجود داشته است. بنابراین می دانم با توجه به گذشته و برخی اظهارات سناتور اوباما، کنجکاوی های زیادی درمورد او وجود دارد. اما اگر من در تهران نشسته بودم، متوجه می شدم که در سیاست گزاری آمریکا در خصوص موضوعاتی مانند تروریسم و جاه طلبی های هسته ای، میزانی از پایداری و ثبات وجود دارد. یعنی موضوعاتی که همواره برای هر دولت سر کار در آمریکا، نگرانی جدی ایجاد می نمایند. به همین جهت رابطه با ایران، مستلزم صرف زمان و تلاش بسیار زیادی از جانب دولت آمریکا می باشد."

(a)

وی در شرح اینکه در مورد ایران تفاوت چندانی میان دولت های دموکرات و جمهوری خواه وجود نخواهد داشت، می گوید: "هم اعطای امتیاز به ایران و هم افزایش فشارهای اقتصادی، هر دو در دولت دهه نود بیل کلینتون نیز رخ داد. فقط در این دوره یک نقطه پایینی، و یک نقطه بالایی داشتیم. بنابراین آن چیزی که من در واشنگتن می بینم این است که هر دولتی که در آمریکا سر کار بیاید، در مورد نگرانی های جدی این کشور تلاش خواهد کرد با ایران گفت وگویی مقتدرانه انجام دهد. در واقع برای مهار ایران، بین همه دولت های آمریکا هماهنگی وجود دارد."

سوزان مالونی با اشاره به تغییر موقعیت و مشکلات آمریکا در منطقه، روی دیگری از ضرورت گفت وگو با ایران را این گونه توضیح می دهد: "خیلی واضح است که دولت آمریکا به صورت خیلی آرام و البته دردآوری به این موضوع فکر می کند، که گفت وگو با ایران باید بخشی از راه حل مشکلاتش در منطقه باشد. بنابراین اگر دولت بوش در چند سال اولیه زمامداری اش راه هرگونه گفت وگو با ایران را بسته بود، مک کین، کلینتون و اوباما، به اصول اولیه سیاست آمریکا با ایران بازخواهند گشت. به این مفهوم که هر گونه راهی برای حل مسائل با ایران، از طریق مذاکره و گفت وگو خواهد بود."

اوباما و مک کین مخالف تکثیر سلاح های اتمی

"مارک هلمکه" کارشناس عالی "کمیته روابط خارجی" کنگره آمریکا، از زمان جنگ سرد تا کنون روی موضوعاتی چون منع تکثیرسلاح های هسته ای تمرکز داشته است. به گفته وی جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح اتمی، در دولت آینده آمریکا مأموریتی مهم خواهد بود.

وی با اشاره به علاقه و آشنایی اوباما با این موضوع، خاطرنشان می کند: "هنگامی که اوباما در سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳) به کنگره آمد، با سناتور لوگر (از فعالان سیاست های منع تکثیرسلاح های اتمی) تماس گرفت و گفت می خواهد در این موضوعات دخیل باشد. از آن به بعد ما با وی در مورد این موضوعات همکاری داشته ایم. بنابراین اگر او به ریاست جمهوری انتخاب شود، همان موضعی را خواهد گرفت که سناتور مک کین می گیرد. چرا که مک کین یکی از اعضای کمیته تسلیحات است، و همکاری نزدیکی با سناتور لوگر داشته است."

کارشناس ارشد سیاست خارجی آمریکا می افزاید: "این امر در مورد کلینتون هم صادق است. زیرا مشاوران سیاست خارجی وی کسانی هستند، که ما قبلا با آنها کار کرده ایم. با این حال فکر می کنم دولت آینده درخصوص جلوگیری از تکثیر سلاح های اتمی، به ویژه روی دیپلماسی متمرکز خواهد شد. روی این موضوع که چگونه می توانیم مطمئن شویم، که خاورمیانه به سلاح اتمی مجهز نمی شود. به نظر من، این یکی از اولویت های دولت خواهد بود."

هلمکه درخصوص حال و هوای کمیته سیاست خارجی کنگره می گوید، که بعد از انتشار گزارش سازمان های اطلاعاتی آمریکا در این مورد که ایران برنامه هسته ای معطوف به تهیه سلاح اتمی را در سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲) متوقف کرده، عملا چنین جوی وجود ندارد.

اما با این همه تصریح می کند که همه چیز به شرایط بستگی دارد، و ادامه می دهد: "بستگی به کارهای تحریک آمیز دارد.

بستگی دارد به اینکه چه اتفاقات دیگری همزمان در خاورمیانه در حال رخ دادن باشد. زیرا طبق گزارش های اطلاعاتی آمریکا، رژیم ایران برای تهیه موشک و سوار کردن سلاح هسته ای، به پنج شش سال زمان احتیاج دارد. پنج شش سال! تا آن زمان خیلی چیزها در خاورمیانه تغییر خواهد کرد. به طوری که ممکن است، خاورمیانه متفاوتی داشته باشیم. به همین جهت حس و جریانی در کنگره وجود دارد، که رییس جمهور بعدی آمریکا باید از این پنج شش سال به صورت فعال در دیپلماسی استفاده کند و مطمئن شود کسی در خاورمیانه به سلاح اتمی دست پیدا نمی کند. همچنین از این مسئله احراز اطمینان گردد، که جامعه بین المللی می تواند به کشورهای مثل ایران کمک کند تا با توسعه اقتصادی به



"سوزان مالونی" مشاور سابق وزارت خارجه
آمریکا: "به عنوان یکی از پایه های درک سیاست
در واشنگتن، دیپلماسی باید از ابعاد قهری و
اجبارکننده برخوردار باشد. منظور از جنبه قهری،
اقتصادی یا نوعی فشار نیروی نظامی و یا چیزهای
دیگر است."

منابع پاک انرژی دست یابند."

وی با اشاره به گزارشی که اخیراً "کمیته روابط خارجی سنا" درخصوص آینده انرژی اتمی در منطقه خاورمیانه تهیه کرده، اظهار می کند: "نتیجه این گزارش می گوید در صورتی که بازرسی های بین المللی مقتضی صورت گیرد، یک ایران با انرژی هسته ای مشکلی ندارد. اما این موضوع برای همه ما روشن است، که یک ایران هسته ای به دور جدیدی از رقابت های هسته ای در منطقه دامن خواهد زد. زیرا سعودی ها به سرعت برای توسعه سلاح های خود اقدام خواهند کرد. ترک ها و دیگر کشورها هم همین روش را در پیش خواهند گرفت. در نتیجه ما ناگهان با منطقه ای با منابع زیاد انرژی، دشمنی های مذهبی و اختلافات قومی- قبیله ای روبرو می شویم، که همزمان به سلاح اتمی هم مجهز است."

وی در شرح منطقی که دستیابی ایران به انرژی هسته ای و در نهایت سلاح هسته ای را خطرناک می داند، می گوید: "در دوره جنگ سرد آن چیزی که وجود صلح را میسرکرد، ایده خطرناکی (هراس از بمب اتمی دو رقیب) بود. ولی این نظریه خطرناک در عمل کار کرد. زیرا روس ها می دانستند اگر مرتکب اشتباهی در مورد آمریکا بشوند، آیالات متحده آنها را نابود خواهد کرد. این موضوع یک حس منطقی ناخوشایند ایجاد کرده بود. من نمی توانم چنین تصویری را برای منطقه خاورمیانه داشته باشم. حالا شما ممکن است بگویید که اگر سعودی ها، ایرانی ها، اسرائیلی ها و عراقی ها، همه سلاح اتمی داشته باشند، به صلح دست پیدا خواهند کرد. اما من چنین چیزی را نمی دانم. ولی این را می دانم، که موقعیت خیلی خطرناکی خواهد بود. آمریکا و اروپا در مورد این موضوع هم عقیده هستند."

اوباما سختگیرتر از مک کین با ایران برخورد می کند

"پاتریک کلاوسون" معاون تحقیقات "مؤسسه واشنگتن" است، که در آمریکا مخزن اندیشه ای جمهوریخواه و راستگرا به شمار می رود. کلاسون مقالات زیادی در مورد ایران و خاورمیانه نوشته، و به راحتی به زبان فارسی گفت وگو می کند. روی میز کار وی شمایل هایی از آیت الله خمینی، آیت الله خامنه ای، و سیدمحمد خاتمی وجود دارد. وقتی می پرسیم آیا دولت بعدی آمریکا برای آغاز گفت وگو با ایران گزینه نظامی را کنار خواهد گذاشت، پاسخ می دهد: "برای رییس جمهوری آمریکا خیلی غیرمتعارف خواهد بود، که بخواهد یک چنین گزینه ای را حذف کند. این سبک آمریکایی نیست. ما ترجیح می دهیم که همه گزینه ها را روی میزداشته باشیم. زیرا این احساس قوی در نزد بسیاری از کسانی که در عرصه سیاست خارجی فعالیت می کنند وجود دارد، که تهدید نیروی نظامی به دیپلماسی کمک می کند. چرا که چنین دیپلماسی ای، ترکیبی از چماق و هویج خواهد بود."

@

کلاوسون با اشاره به سیاست های احتمالی دولت آینده آمریکا در باره ایران، می گوید: "به صورت تاریخی این دموکرات ها هستند، که سیاست سختگیرانه تری را در قبال ایران اتخاذ می کنند. زیرا این دموکرات های ناامید می باشند که یک پیشنهاد خیلی خوب به ایران می دهند، و جواب منفی می گیرند. به همین جهت، در قبال این کشور سختگیرتر می شوند. اگر این مدل تغییر نکند، از نظر من تعجبی ندارد."

این محقق راستگرای آمریکایی در شرح مدل تحلیلی خود می گوید: "مک کین انتظار کمی از ایران دارد. در صورتی که انتظار اوباما بیشتر است. اگر اوباما پیشنهادی را برای گفت وگو با ایران مطرح کند که ایران پس بزند، اوضاع به شدت خراب

ترخواهد شد. من گمان می کنم اگر او یک پیشنهاد سیاسی بزرگ برای گفت وگو با ایران ارائه نماید که فکر کند ایرانی ها قبول خواهند کرد، وقتی چنین اتفاقی نیفتد خیلی ناراحت خواهد شد. اما فکر می کنم مک کین بدبین ترخواهد بود. به همین جهت می تواند تصور نماید، که پیشنهاد گفت وگو با ایران موفقیت آمیز نباشد. بنابراین ممکن است، چنین نتیجه ای برایش خیلی معمولی باشد. زیرا تجربه بیشتری دارد.



در حالی که اوپاما چنین تجربه ای ندارد. بنابراین امکان دارد درخصوص پیشنهاد به ایران، انتظارات غیر واقع بینانه ای داشته باشد."

وی درخصوص مقایسه سه نامزد ریاست جمهوری می گوید: "تحلیل من از دیدگاه این سه نامزد درمورد ایران، این است که کلینتون بین اوپاما و مک کین قرار خواهد داشت. زیرا ممکن است به نظر برسد، اوپاما در خصوص ایران دوستانه است. اما درحقیقت می تواند بیشترین دشمنی را با احمدی نژاد دوم داشته باشد. در صورتی که مک کین در این میان، چندان سختگیر نخواهد بود."

کلاسون با انتقاد از موضع گیری های ایرانی ها، اظهار می کند که رهبران این کشور واقعا نمی دانند چه می خواهند. اگر می دانستند، باید مصالحه می کردند و سیاهه چیزهایی را که در قبال متوقف کردن برنامه هسته ای شان می خواهند، ارائه می دادند.

"هنری وکسن": "...این امید را دارم که بتوانیم

روزی با ایران تماس برقرارکنیم. اما امیدوارم آن

روز، محمود احمدی نژاد رییس جمهور نباشد."

به اعتقاد وی رهبران ایرانی نمی دانند در زمانی که دست بالا دارند، چطور بیشترین استفاده را از آن ببرند. او در این پیوند می گوید: "اگر قبول کنیم که ایران در موقعیت قوی قرار دارد، باید گفت که این قوی است که خود را به ضعیف نزدیک می کند. (بنابراین) این ایران قوی است که می تواند پیشنهادات خود را به آمریکا ارائه کند و بگوید معامله این است، و این چیزی می باشد که ما می خواهیم. ایالات متحده به خاطر تحولات سیاسی سال های گذشته، در موقعیت ضعیف تر است و مجبور خواهد شد تا ترتیبات معامله با ایران را در نظر بگیرد. در این میان چیزهای زیادی گیرایران خواهد آمد. اگر این موضوع یک سال پیش اتفاق می افتاد، بیشتر از حالا بهره ای نصیب این کشور می شد. این خیلی احمقانه است که احمدی نژاد هیچ پیشنهادی را برای آمریکا ارائه نمی کند، و فقط -نه- می گوید."

انتخاب مجدد احمدی نژاد، ادامه وضع موجود

"کریم سجادیپور" محقق ایرانی تبار "مؤسسه کارنگی"، اخیرا رساله ای در شرح عقاید آیت الله خامنه ای به عنوان قدرتمندترین رهبر ایران منتشر کرده است. این پژوهشگر برخلاف کلاسون معتقد می باشد که مک کین با توجه به اظهاراتی که تا کنون داشته، در قبال ایران موضع سختگیرانه تری خواهد گرفت. وی در رابطه با امکان مذاکره مستقیم دو کشور می گوید: "احساس فزاینده ای در واشنگتن وجود دارد، که عدم گفت وگو با ایران کمکی به حل مسائل موجود نمی کند. بنابراین گمان می کنم که به احتمال زیاد دولت بعدی آمریکا در مقایسه با دولت بوش تلاش های بیشتری خواهد کرد، که به گفت وگو با ایران بپردازد. اما اگر احمدی نژاد بار دیگر به ریاست جمهوری انتخاب شود، من نمی توانم هیچ تغییر دیپلماسی عمده ای را پیش بینی کنم."

امید معماریان روزنامه نگار مستقل - مدرسه عالی روزنامه نگاری دانشگاه برکلی کالیفرنیا، با واشنگتن پریزم همکاری می کند.



نوسانات انتخاب هیلاری یا اوباما نوسانات انتخاب هیلاری یا اوباما

واشنگتن پریم

بر اساس جدیدترین نظرسنجی موقعیت سناتور باراک اوباما کاندیدای احتمالی حزب دموکرات برای ریاست جمهوری در مقابل جان مک کین کاندیدای عضو حزب جمهوری خواه در دو ایالات مهم که گرایش کاملی به حزب بخصوصی نداشته و می تواند تایین کننده رئیس جمهور آینده آمریکا باشد موقعیت دلخواهی را ندارد. این نظرسنجی موقعیت سناتور هیلاری کلینتون در مقابل آقای مک کین را بهتر نشان می دهد.

ویرجینیا	پنسیلوانیا	اوهایو	فلوریدا	
42 % آراء	40 % آراء	44 % آراء	45 % آراء	جان مک کین
49 % آراء	46 % آراء	40 % آراء	41 % آراء	باراک اوباما

پنسیلوانیا	اوهایو	فلوریدا	
37 % آراء	41 % آراء	41 % آراء	جان مک کین
50 % آراء	48 % آراء	48 % آراء	هیلاری کلینتون

منابع: دانشگاه کوئینی پیاک در ایالت کننیکات و نظرسنجی "سوروی یو اس ای" در روزهای 13 تا 20 ماه می (24 تا 31 اردیبهشت)